

تبیین روابط علی بین سبک های دلبستگی و نگرش به خیانت در زنان دارای رگه های اختلال شخصیت نمایشی: نقش میانجیگر تنظیم هیجان

غزل رجحان،^۱ فاطمه گلشنی^{۲*}

چکیده

مقدمه: به دلیل نقش اثرگذار تنظیم هیجانی در اختلال شخصیت نمایشی و شناسایی متغیرهای اثرگذار بر آن، هدف پژوهش حاضر تبیین روابط علی بین سبک های دلبستگی و نگرش به خیانت در زنان دارای رگه های اختلال شخصیت نمایشی: نقش میانجیگر تنظیم هیجان بود.

روش پژوهش: روش پژوهش همبستگی از نوع تحلیل مسیر بود. جامعه آماری پژوهش شامل دانشجویان زن دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز در سال ۱۴۰۳ بودند که با بکارگیری پرسشنامه اختلال شخصیت نمایشی شناسایی شدند. نمونه پژوهش شامل ۲۰۸ دانشجوی زن دارای رگه های اختلال شخصیت نمایشی بود که با روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزار این پژوهش شامل مقیاس نگرش به خیانت واتلی، پرسشنامه سبک های دلبستگی هازان و شیور، پرسشنامه تنظیم هیجانی گارنفسکی و کرایچ، پرسشنامه اختلال شخصیت نمایشی فرگوسن و نگي بود. داده های پژوهش با استفاده از روش آماری تحلیل مسیر و به وسیله نرم افزار ایموس نسخه ۲۴ تحلیل شدند.

یافته ها: به طور کلی، نتایج نشان داد که بین متغیرهای پژوهش همبستگی وجود دارد و تنظیم هیجانی در رابطه میان سبک های دلبستگی و نگرش به خیانت زنان دارای رگه های اختلال شخصیت نمایشی نقش میانجی دارد ($P = 0/001$).

نتیجه گیری: راهبردهای تنظیم هیجانی رابطه میان متغیرهای پژوهش را میانجیگری می کند. بنابراین، توجه به دستاورد این پژوهش به روان شناسان بالینی و مشاوران ازدواج توصیه می شود. همچنین، از یافته های پژوهش حاضر می توان در جهت بهبود تعامل زوجین و کاهش اثر اختلالات روان شناختی در روابط استفاده نمود.

کلید واژه ها: تنظیم هیجانی، سبک دلبستگی، شخصیت نمایشی، نگرش به خیانت

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۲/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱/۲۵

استناد: رجحان غزل، گلشنی فاطمه. تبیین روابط علی بین سبک های دلبستگی و نگرش به خیانت در زنان دارای رگه های اختلال شخصیت نمایشی: نقش میانجیگر تنظیم هیجان، خانواده و بهداشت، ۱۴۰۴؛ ۱۵(۳): ۶۵-۷۷

^۱. گروه روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران، ایمیل Ghazal.rojhan@gmail.com

^۲. (نویسنده مسئول)، گروه روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران

fat.golshani@iauctb.ac.ir, tell: 09124702965

© حقوق برای مؤلف (آن) محفوظ است. این مقاله با دسترسی آزاد در خانواده و بهداشت تحت مجوز کرییتو کامنز (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) منتشر شده که طبق مفاد آن هرگونه استفاده غیر تجاری تنها در صورتی مجاز است که به اثر اصلی به نحو مقتضی استناد و ارجاع داده شده باشد.

مقدمه:

هرچند که هر انسانی میل به توجه کردن از طرف دیگران را دوست دارد، اما زنان دارای نشانه های اختلال شخصیت نمایشی میل به توجه طلبی افراطی دارند؛ این افراد زمانی که مورد توجه قرار نمی گیرند، بی قرار می شوند و برای رسیدن به توجه دست به هر کار منطقی و غیرمنطقی می زنند (۱). اختلال شخصیت نمایشی دارای الگوی رفتارهای هیجانی اغراق آمیز و توجه طلبی است و در خوشه B اختلال شخصیت قرار می گیرد (۲). هرچند علت دقیق این اختلال مشخص نیست، اما می توان به عوامل آموخته شده از محیط و ژنتیکی اشاره کرد (۳).

اختلال شخصیت نمایشی، یکی از اختلالات شخصیتی است که می تواند روابط زناشویی را با مشکل جدی روبه رو کند (۴-۶) و بر نگرش فرد نسبت به خیانت^۱ تاثیر گذارد (۷). نگرش به خیانت را مجموعه ای نسبتاً پایدار از باورها، احساسات و گرایش های رفتاری نسبت به برقراری رابطه فیزیکی یا عاطفی یا ترکیبی از این دو با شخصی خارج از رابطه زناشویی تعریف کرده اند؛ به عبارت دیگر، این افراد ارزیابی و نگرش مطلوبی نسبت به خیانت دارند و در نتیجه این افراد بیشتر به خیانت زناشویی تمایل دارند و بیشتر درگیر روابط فرازناشویی می شوند (۸ و ۹). پژوهش (۱۰ و ۱۱) نیز نشان داده است که بین مولفه های ویژگی های شخصیت در زنان دارای خیانت زناشویی با زنان فاقد خیانت زناشویی تفاوت معنادار وجود دارد.

یکی از متغیرهایی که در نگرش به خیانت نقش دارد، سبک دلبستگی افراد است (۱۲ و ۱۳). بالبی (۱۴) دلبستگی را به عنوان تمایل به نزدیکی به یک فرد دیگر و احساس امنیت در هنگام حضور آن فرد تعریف کرد که شامل سه الگوی دلبستگی ایمن، نایمن اضطرابی-دوسوگرا و نایمن اجتنابی است. در نظریه بالبی، پیوندهای قوی دلبستگی بین زوجین منجر به ایجاد پناهگاهی امن در برابر استرس ها، تردیدها و سازگاری بهتر فرد در مواجهه با محیط می شود. از این رو، رفتار دلبستگی در روابط زوجی نقش بسیار مهمی در پیشگیری از خیانت زناشویی دارد (۱۵). پژوهش نیز نشان داده است که سبک های دلبستگی به ویژه سبک های اجتنابی و دوسوگرا در نگرش به خیانت نقش دارند (۱۶).

متغیر دیگری که در نگرش به خیانت اثرگذار است، تنظیم هیجان است (۱۷ و ۱۸). تنظیم هیجانی به معنای استفاده از راهبردهای سازگارانه است که فرد هنگام تجربه هیجانی، پاسخ به حالات هیجانی مناسب از خود نشان می دهد که دارای راهبردهای سازگارانه و ناسازگارانه است (۱۹). تنظیم هیجان به فرد اجازه می دهد تا بتواند در موقعیت های تعارضی واکنش مناسب بروز دهد؛ در صورتی که فقدان مهارت های تنظیم هیجان در افراد می تواند منجر به رفتارهای تکانشی و رفتارهای ضداجتماعی شود (۲۰). به نظر می رسد که استفاده از راهبردهای سازگارانه تنظیم هیجانی در افراد با تجربه روابط فرا زناشویی کمتر از افراد بدون این تجربه است و در مقابل افراد با تجربه روابط فرازناشویی بیشتر از راهبردهای منفی تنظیم هیجان استفاده می نمایند (۲۱ و ۲۲). از سویی دیگر، تجارب دلبستگی در اوایل کودکی بر رشد طرحواره های هیجانی و سایر مهارت های شناختی موثر در تنظیم هیجان و عواطف اثر می گذارند و مهارت های موثر تنظیم هیجان و سایر توانایی های ذهنی در چارچوب روابط دلبستگی ایمن پدیدار می شوند (۲۳-۲۵ و ۱۴) که می تواند زمینه ساز گرایش به خیانت شوند (۱۶).

با توجه به نقش ثبات روابط زناشویی در سلامت زوجین و خانواده پرداختن به عوامل اثر گذار بر گرایش زوجین به خیانت جهت شناسایی ریسک فاکتورها در قبل و بعد از ازدواج ضرورت انجام این پژوهش را مشخص می کند. از طرفی، عدم وجود پژوهشی جهت

^۱ - infidelity towards attitude

پرداختن به روابط میان متغیرهای پژوهش با روش تحلیل مسیر برای شفاف نمودن رابطه میان متغیرها از دلایل انجام این پژوهش بود. در نهایت، نتایج این پژوهش می‌تواند مشاوران ازدواج و زوج درمانگران را در شناسایی عوامل موثر بر نگرش به خیانت و طراحی مداخله مناسب هدایت نماید. در نتیجه هدف پژوهش حاضر تبیین روابط علی بین سبک‌های دلبستگی و نگرش به خیانت در زنان دارای رگه‌های اختلال شخصیت نمایشی: نقش میانجیگر تنظیم هیجان است.

روش پژوهش:

روش پژوهش حاضر همبستگی از نوع تحلیل مسیر است. جامعه آماری این پژوهش دانشجویان زن دارای رگه‌های اختلال شخصیت نمایشی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز در سال ۱۴۰۳ می‌باشد که با استفاده از پرسشنامه نگرش به خیانت شناسایی شدند. نمونه پژوهش شامل ۲۰۸ دانشجوی زن دارای رگه‌های اختلال شخصیت نمایشی است که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. بدین گونه که مقیاس اولیه به صورت آنلاین برای ۷۲۵ دانشجو ارسال شد. از بین پاسخ‌دهندگان، افرادی که در مقیاس اختلال شخصیت نمایشی، نمره‌ای یک انحراف استاندارد بالاتر از میانگین کسب کرده بودند ($N=208$)، انتخاب شدند. ملاک ورود به پژوهش شامل ۱- داشتن حداقل دو سال سابقه زندگی مشترک، ۲- عدم دریافت روان درمانی، ۳- عدم مصرف دارو، ۴- تمایل به ورود به پژوهش، ۵- داشتن تلفن همراه هوشمند بود. ملاک خروج نیز عدم تمایل به همکاری و تکمیل ناقص پرسشنامه‌ها بود. جهت اجرای پژوهش حاضر پس از هماهنگی‌های لازم با دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، با مراجعه به مرکز مشاوره دانشگاه، نمونه پژوهش حاضر با توجه به ملاک‌های ورود به پژوهش، تشکیل شد. سپس، اهداف پژوهش به شرکت‌کنندگان توضیح داده شد و سپس پرسشنامه‌ها از طریق پرسلایم ارائه گردید. سپس داده‌های بدست آمده با روش تحلیل مسیر^۱ (مثل مدل‌سازی اولیه، شاخص‌های برازش) و به وسیله نرم افزار ایموس نسخه ۲۴ تحلیل شدند. جهت جمع‌آوری داده‌های پژوهش از پرسشنامه‌های زیر استفاده شد.

مقیاس نگرش به خیانت^۲: پرسشنامه نگرش به خیانت زناشویی توسط واتلی (۲۶) (۱۲ سوال، لیکرت ۷ درجه ای، پایایی، ۰/۸۴) به منظور سنجش نگرش به خیانت زناشویی طراحی شده است. در ایران در پژوهش سواری و طلایی زاده (۲۷) روایی محتوایی و صوری این مقیاس مناسب ارزیابی شد و پایایی این ابزار به روش آلفای کرونباخ بالای ۰/۷ گزارش شد.

پرسشنامه سبک دلبستگی هازان و شیور: این پرسشنامه توسط هازان و شیور (۲۸) (۱۵ سوال، لیکرت ۵ درجه ای، پایایی، ۰/۸۷) برای تشخیص سبک دلبستگی به والدین ساخته شده است. در ایران در پژوهش پاکدامن (۲۹) نیز پایایی آن را به روش باز آزمایی به ترتیب برای دلبستگی ناایمن/دوسوگرا، ناایمن/اجتنابی و ایمن برابر ۰/۷۲، ۰/۵۶ و ۰/۳۷ گزارش کردند.

پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان: این پرسشنامه توسط گارنفسکی و کرایچ (۳۰) (۱۸ سوال، لیکرت ۵ درجه ای، پایایی، در دامنه ۰/۷۱ تا ۰/۸۱) برای تشخیص راهبردهای تنظیم هیجانی ساخت شده است. در ایران نیز پایایی این ابزار با روش آلفای کرونباخ برای همه خرده مقیاس‌های آن در دامنه ۰/۷۳ تا ۰/۹۰ قرار گرفتند (۳۱).

^۱- Path Analysis

^۲-Attitudes Toward Infidelity Scale

پرسشنامه اختلال شخصیت نمایشی: این پرسشنامه توسط فرگوسن و نگی (۳۲) (۳۵) سوال و پایایی، ۰/۷۹) برای تشخیص اختلال شخصیت نمایشی تهیه شده است. در ایران نیز در پژوهش پازوکی و ابوالمعالی (۳۳) پایایی این ابزار با روش آلفای مولفه های مذکور و کل آن به ترتیب معادل ۰/۷۸ و ۰/۶۹ و ۰/۷ بود.

یافته ها:

در پژوهش حاضر ۲۰۸ دانشجوی زن دارای رگه های اختلال شخصیت نمایشی شرکت کردند. میانگین و انحراف استاندارد سنی شرکت کنندگان به ترتیب ۲۵/۹۱ و ۶/۳۱ سال بود و ۱۴۶ نفر (۷۰/۲ درصد) از آنان مجرد و ۶۲ نفر (۲۹/۸ درصد) متاهل بودند. در بین شرکت کنندگان ۱۱ نفر (۵/۳ درصد) در مقطع کاردانی، ۱۰۹ نفر (۵۲/۴ درصد) در مقطع کارشناسی، ۸۰ نفر (۳۸/۵ درصد) در مقطع کارشناسی ارشد و ۸ نفر (۳/۸ درصد) در مقطع دکتری مشغول به تحصیل بودند. جدول ۱ میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی بین سبک های دلبستگی (اجتنابی، ایمن و دوسوگرا)، راهبردهای تنظیم هیجان (ارزیابی مجدد و سرکوبی) و نگرش به خیانت را نشان می دهد.

جدول ۱: میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرهای تحقیق	میانگین	انحراف استاندارد	۱	۲	۳	۴	۵
۱. دلبستگی - اجتنابی	۱۲/۶۵	۲/۷۷	-				
۲. دلبستگی - ایمن	۱۳/۸۸	۴/۰۶	۰/۲۵**	-			
۳. دلبستگی - دوسوگرا	۱۳/۶۸	۴/۱۷	۰/۲۱**	۰/۳۳**	-		
۴. تنظیم هیجان - ارزیابی مجدد	۱۹/۴۳	۴/۵۶	۰/۱۵*	۰/۳۱**	۰/۳۵**	-	
۵. تنظیم هیجان - سرکوبی	۱۲/۱۱	۴/۲۵	۰/۲۹**	۰/۵۱**	۰/۴۷**	۰/۴۳**	-
۶. نگرش به خیانت	۲۴/۷۷	۴/۸۰	۰/۲۸**	۰/۵۵**	۰/۳۲**	۰/۵۲**	۰/۴۵**

* $P < 0.05$ و ** $P < 0.01$

همچنان که جدول ۱ نشان می دهد همبستگی بین متغیرها در جهت مورد انتظار و همسو با تئوری های حوزه پژوهش بود. در ادامه منطبق بر نتایج جدول ۲ در این پژوهش به منظور ارزیابی مفروضه نرمال بودن توزیع داده های تک متغیری، کشیدگی و چولگی متغیرها و به منظور ارزیابی مفروضه همخطی بودن مقادیر عامل تورم واریانس^۱ (VIF) و ضریب تحمل^۲ متغیرهای پیش بین مورد بررسی قرار گرفت.

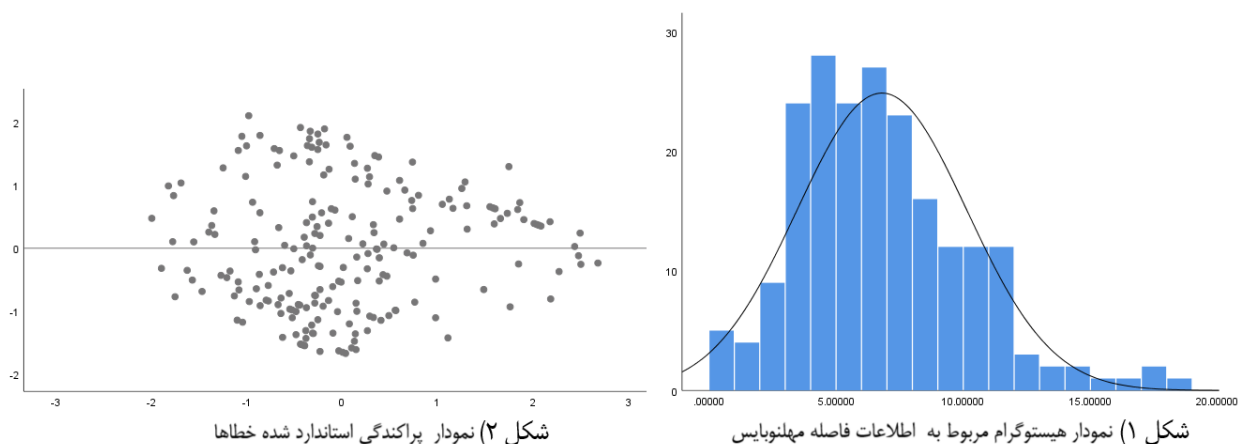
^۱ - variance inflation factor

^۲ - tolerance

جدول ۲: بررسی مفروضه های نرمال بودن و همخطی بودن

متغیر	مفروضه نرمال بودن		مفروضه همخطی بودن	
	چولگی	کشیدگی	ضریب تحمل	تورم واریانس
دلبستگی - اجتنابی	۰/۷۸	۰/۷۵	۰/۹۰	۱/۱۲
دلبستگی - ایمن	-۰/۴۷	-۰/۵۳	۰/۷۱	۱/۴۰
دلبستگی - دوسوگرا	۰/۸۰	-۰/۰۳	۰/۷۴	۱/۳۵
تنظیم هیجان - ارزیابی مجدد	-۰/۹۱	-۰/۰۶	۰/۷۸	۱/۲۹
تنظیم هیجان - سرکوبی	۰/۸۵	۰/۵۶	۰/۵۸	۱/۷۳
نگرش به خیانت	۰/۴۰	-۰/۸۴	-	-

جدول ۲ نشان می‌دهد که مقادیر کشیدگی و چولگی همه متغیرها در محدوده ± 2 قرار دارد. این یافته بیانگر آن است که مفروضه نرمال بودن توزیع داده‌های تک متغیری در بین داده‌ها برقرار است (۳۴). همچنین براساس نتایج جدول ۲ می‌توان گفت مفروضه همخطی بودن نیز در بین داده‌های پژوهش حاضر برقرار بود. زیرا که مقادیر ضریب تحمل متغیرهای پیش بین بزرگتر از ۰/۱ و مقادیر عامل تورم واریانس هر یک از آن‌ها کوچکتر از ۱۰ بود. منطبق بر دیدگاه میرز و همکاران (۳۵) ضریب تحمل کمتر از ۰/۱ و ارزش عامل تورم واریانس بالاتر از ۱۰ نشان‌دهنده عدم برقراری مفروضه همخطی بودن است. در این پژوهش به منظور ارزیابی برقراری یا عدم برقراری مفروضه نرمال بودن توزیع داده‌های چند متغیری، از تحلیل اطلاعات مربوط به «فاصله مهلنوبایس»^۱ استفاده شد. مقادیر چولگی و کشیدگی اطلاعات مزبور به ترتیب برابر با ۰/۷۶ و ۰/۶۲ به دست آمد، بنابراین ارزش شاخص چولگی و کشیدگی آن اطلاعات در محدوده ± 2 قرار داشت که نشان می‌دهد مفروضه نرمال بودن توزیع داده‌های چند متغیری در بین داده‌ها برقرار بوده است. در نهایت به منظور ارزیابی همگنی واریانس‌ها نمودار پراکندگی واریانس‌های استاندارد شده خطاها مورد بررسی قرار گرفت و ارزیابی‌ها نشان داد که آن مفروضه نیز در بین داده‌ها برقرار است. شکل (۱) و شکل (۲) به ترتیب نمودار هیستوگرام مربوط به اطلاعات فاصله مهلنوبایس و نمودار پراکندگی استاندارد شده خطاها را نشان می‌دهد.



^۱ - Mahalanobis distance (D)

^۲ - standardized residuals

پس از ارزیابی مفروضه ها و اطمینان از برقراری آن ها در بین داده ها، چگونگی برازش مدل با داده های گردآوری شده مورد بررسی قرار گرفت. به این منظور روش تحلیل مسیر با استفاده از نرم افزار AMOS 26.0 و برآورد بیشینه احتمال^۱ (ML) به کار گرفته شد. جدول ۳ شاخص های برازندگی مدل اولیه و مدل اصلاح شده را نشان می دهد.

جدول ۳: شاخص های برازش مدل

شاخص های برازندگی	مدل اولیه	مدل اصلاح شده	نقطه برش ^۲
مجذور کای ^۳	۱۴/۳۹	۱/۰۷	-
درجه آزادی مدل	۱	۲	-
χ^2/df ^۴	۱۴/۳۹	۰/۵۴	کمتر از ۳
GFI ^۵	۰/۹۷۸	۰/۹۹۸	۰/۹۰ >
AGFI ^۶	۰/۵۴۰	۰/۹۸۲	۰/۸۵۰ >
CFI ^۷	۰/۹۶۸	۱/۰۰	۰/۹۰ >
RMSEA ^۸	۰/۲۵۴	۰/۰۰۳	۰/۰۸ <

منطبق بر نتایج جدول فوق به استثنای دو شاخص برازندگی GFI و CFI دیگر شاخص های برازندگی از برازش قابل قبول مدل با داده ها حمایت نکردند. به همین دلیل علاوه بر حذف مسیرهای غیر معنادار (ضریب مسیر مستقیم بین سبک دلبستگی اجتنابی و راهبرد ارزیابی مجدد تنظیم هیجان از یک سو و ضریب مسیر مستقیم بین سبک دلبستگی اجتنابی و نگرش به خیانت از سوی دیگر) با ایجاد کوواریانس بین خطاهای دو راهبرد تنظیم هیجان مدل اصلاح و همچنان که در جدول ۳ ملاحظه می شود، با اصلاح مدل شاخص های برازندگی قابل قبول در حمایت از برازش مدل با داده ها به دست آمد ($\chi^2/df=0/54T$, $GFI=0/99$, $AGFI=0/98$, $CFI=1$, $RMSEA=0/00$). جدول ۴ ضرایب مسیر بین متغیرها را نشان می دهد.

جدول ۴: ضرایب مسیر مستقیم و غیر مستقیم

ضریب مسیر	B	S.E	β	p
دلبستگی ایمن $\leftarrow$ راهبرد سرکوبی	-۰/۳۹۱	۰/۰۶۵	-۰/۳۷۴	۰/۰۰۱
دلبستگی ایمن $\leftarrow$ راهبرد ارزیابی مجدد	۰/۴۰۴	۰/۱۱۹	۰/۲۱۷	۰/۰۰۱
دلبستگی دوسوگرا $\leftarrow$ راهبرد سرکوبی	۰/۳۲۴	۰/۰۶۶	۰/۳۱۷	۰/۰۰۱

^۱ -Maximum Likelihood

^۲ - نقاط برش براساس دیدگاه کلاین (۲۰۱۶)

^۳ -Chi-Square

^۴ - normed chi-square

^۵ -Goodness Fit Index

^۶ -Adjusted Goodness Fit Index

^۷ -Comparative Fit Index

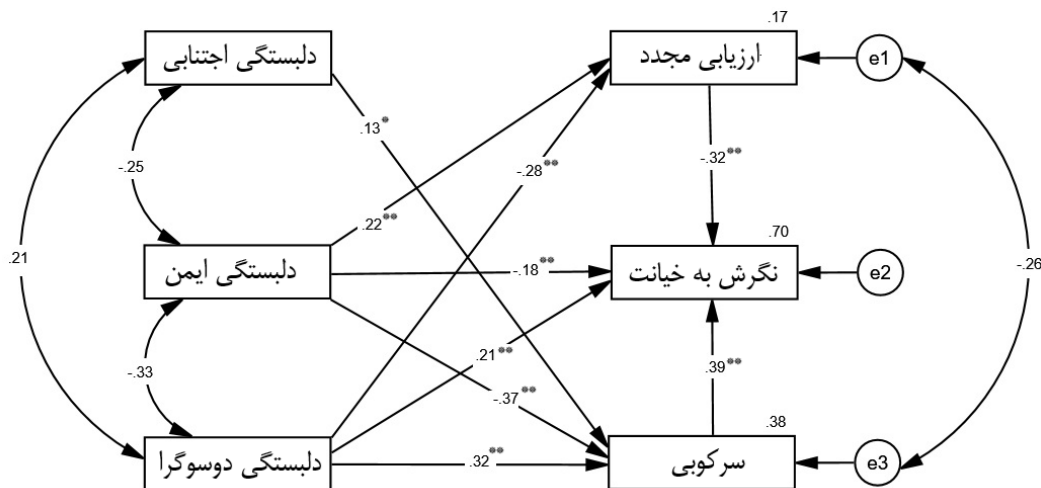
^۸ -Root Mean Square Error of Approximation

۰/۰۰۱	-۰/۲۸۱	۰/۱۲۳	-۰/۵۱۰	دلبستگی دوسوگرا ← راهبرد ارزیابی مجدد
۰/۰۱۸	۰/۱۲۹	۰/۰۸۱	۰/۱۹۷	دلبستگی اجتنابی ← راهبرد سرکوبی
۰/۰۰۱	۰/۳۹۱	۰/۰۵۶	۰/۴۳۸	راهبرد سرکوبی ← نگرش به خیانت
۰/۰۰۱	-۰/۳۱۶	۰/۰۲۵	-۰/۱۹۹	راهبرد ارزیابی مجدد ← نگرش به خیانت
۰/۰۰۱	-۰/۱۸۰	۰/۰۵۶	-۰/۲۱۱	ضریب مسیر مستقیم دلبستگی ایمن ← نگرش به خیانت
۰/۰۰۱	۰/۲۱۳	۰/۰۵۰	۰/۲۴۴	ضریب مسیر مستقیم دلبستگی دوسوگرا ← نگرش به خیانت
۰/۰۰۱	-۰/۲۱۵	۰/۰۴۷	-۰/۲۵۲	ضریب مسیر غیرمستقیم مستقیم دلبستگی ایمن ← نگرش به خیانت
۰/۰۰۱	۰/۲۱۳	۰/۰۴۴	۰/۲۴۳	ضریب مسیر غیرمستقیم مستقیم دلبستگی دوسوگرا ← نگرش به خیانت
۰/۰۱۸	۰/۰۵۰	۰/۰۳۹	۰/۰۸۶	ضریب مسیر غیرمستقیم مستقیم دلبستگی اجتنابی ← نگرش به خیانت

جدول ۴ نشان می‌دهد که ضریب مسیر بین راهبرد سرکوبی با نگرش به خیانت ($\beta=0/391, P=0/001$) مثبت و ضریب مسیر بین ارزیابی مجدد با نگرش به خیانت ($\beta=-0/316, P=0/001$) منفی و معنادار است. ضریب مسیر مستقیم بین سبک دلبستگی ایمن و نگرش به خیانت ($\beta=-0/180, P=0/001$) و ضریب مسیر مستقیم بین سبک دلبستگی دوسوگرا و نگرش به خیانت ($\beta=0/213, P=0/001$) مثبت و معنادار بود^۱. با توجه به این که ضریب مسیر بین سبک دلبستگی اجتنابی و راهبرد ارزیابی مجدد تنظیم هیجان به دلیل عدم معناداری حذف شد. می‌توان نتیجه گرفت که تنها راهبرد سرکوبی تنظیم هیجان رابطه بین سبک دلبستگی اجتنابی و نگرش به خیانت را در زنان دارای رگه‌های اختلال شخصیت نمایشی میانجیگری می‌کند ($\beta=0/050, P=0/018$). جدول ۴ نشان می‌دهد که ضریب مسیر غیر مستقیم بین سبک دلبستگی دوسوگرا و نگرش به خیانت ($\beta=0/213, P=0/001$) از یک سو و ضریب مسیر بین سبک دلبستگی ایمن و نگرش به خیانت ($\beta=-0/215, P=0/001$) از سوی دیگر معنادار است. بنابراین می‌توان گفت در زنان دارای رگه‌های اختلال شخصیت نمایشی دو راهبرد تنظیم هیجان رابطه بین دو سبک دلبستگی ایمن و دوسوگرا با نگرش به خیانت را میانجیگری می‌کند. در ادامه به منظور تعیین سهم هر یک از دو متغیر میانجی در رابطه بین دو سبک دلبستگی ایمن و دوسوگرا با نگرش به خیانت از فرمول بارون و کنی^۲ (۳۶) استفاده شد. نتایج نشان داد که رابطه بین دلبستگی ایمن و نگرش به خیانت از طریق راهبرد ارزیابی مجدد ($\beta=-0/070, P=0/001$) و از طریق راهبرد سرکوبی ($\beta=-0/144, P=0/001$) منفی و معنادار است. همچنین استفاده از فرمول باون و کنی نشان داد که رابطه بین دلبستگی دوسوگرا و نگرش به خیانت از طریق راهبرد ارزیابی مجدد ($\beta=0/090, P=0/001$) و از طریق راهبرد سرکوبی ($\beta=0/125, P=0/001$) مثبت و معنادار است. بدین ترتیب نتایج پژوهش حاضر نشان داد که راهبردهای تنظیم هیجان در زنان دارای رگه‌های اختلال شخصیت نمایشی رابطه بین سبک دلبستگی دوسوگرا و نگرش به خیانت را به صورت مثبت و رابطه بین سبک دلبستگی ایمن و نگرش به خیانت را به صورت منفی و معنادار میانجیگری می‌کند. در مقابل نتایج نشان داد که از بین دو راهبرد تنظیم هیجان تنها راهبرد سرکوبی (به صورت مثبت) رابطه بین سبک دلبستگی اجتنابی و نگرش به خیانت را در زنان دارای رگه‌های اختلال شخصیت نمایشی میانجیگری می‌کند. شکل ۳ مدل پژوهش با استفاده از داده‌های استاندارد را نشان می‌دهد.

^۱ - لازم به توضیح است که ضریب مسیر مستقیم بین سبک دلبستگی اجتنابی و نگرش به خیانت در جریان اصلاح مدل به دلیل عدم معناداری حذف شد.

^۲ - Baron and Kenny



شکل ۳: پارامترهای استاندارد در مدل پژوهش

شکل فوق نشان می‌دهد که مجموع مجذور همبستگی‌های چندگانه (R^2) برای متغیر نگرش به خیانت برابر با ۰/۷۰ است. این موضوع بیانگر آن است که سبک‌های دلبستگی و راهبردهای تنظیم هیجان در مجموع ۷۰ درصد از واریانس نگرش به خیانت را در زنان دارای رگه‌های اختلال شخصیت نمایشی را تبیین می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری:

هدف پژوهش حاضر تبیین روابط علی بین سبک‌های دلبستگی و نگرش به خیانت در زنان دارای رگه‌های اختلال شخصیت نمایشی: نقش میانجیگر تنظیم هیجان است. یافته نشان داد مدل پژوهش از برازش مطلوبی برخوردار است ($\chi^2/df=0/54T$, $GFI=0/99$, $RMSEA=0/00$, $CFI=1$, $AGFI=0/98$). همچنین، این پژوهش نشان داد که اثر مستقیم بین سبک دلبستگی ایمن با خیانت زناشویی منفی و سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا با خیانت زناشویی مثبت و معنادار است. نتایج پژوهش شالچیان پورخلجان و همکاران (۱۶) مبنی بر وجود رابطه بین سبک‌های دلبستگی و نگرش به خیانت همسو است. به گونه‌ای که این پژوهش (۱۶) نشان داده است که سبک دلبستگی ایمن با گرایش به خیانت رابطه منفی و سبک‌های دلبستگی ناایمن با گرایش به خیانت رابطه مثبت دارد. اما در پژوهش بختیاری و همکاران (۱۳) نشان داده شده است که سبک دلبستگی اضطرابی رابطه معناداری با گرایش به خیانت دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که وجود دلبستگی ایمن در زوجها موجب می‌شود که هنگام برخورد و مواجهه با چالش‌ها و سختی‌های زندگی برای تسکین یافتن به رابطه امن خود مراجعه کنند و با بودن در کنار شریک صمیمی خود تنش‌های حاصل از محیط را برای یکدیگر قابل تحمل نمایند و از این طریق رشد یابند و با محیط سازگار شوند (۱۵). از طرفی، زوجینی که دارای دلبستگی‌های ناایمن هستند، به ویژه در افراد دارای رگه‌های اختلال شخصیت نمایشی، به دلیل اینکه در هنگام مواجهه با چالش‌ها همسر خود را دردسترس و پاسخگو نمی‌بینند، نیاز عاطفی آن‌ها برآورده نمی‌شود و در جست‌وجوی راهی خواهند بود تا بتوانند آرامش روانی خود را برقرار کنند؛ در نتیجه، احتمال نگرش مثبت به خیانت زناشویی در این افراد افزایش می‌یابد (۱۲).

همچنین، این پژوهش نشان داد که اثر مستقیم سبک‌های دلبستگی و تنظیم هیجانی معنادار است. به عبارت دیگر، میان سبک دلبستگی ایمن و راهبرد ارزیابی مجدد رابطه مثبت و با راهبر سرکوبی رابطه منفی معناداری وجود دارد. همچنین، میان سبک دلبستگی

ناایمن اجتنابی و دوسوگرا با راهبرد ارزیابی مجدد رابطه منفی و با راهبرد سرکوبی رابطه مثبت وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش شالچیان پورخلجان و همکاران (۱۸) مبنی بر رابطه مثبت میان سبک‌های دلبستگی ایمن با راهبردهای سازگارانه تنظیم هیجانی و رابطه منفی میان سبک‌های دلبستگی ناایمن با راهبردهای ناسازگارانه تنظیم هیجانی همسو است. از طرفی، این یافته با نتایج پژوهش عرب علی دوستی (۳۷) مبنی بر رابطه سبک‌های دلبستگی با دشواری در تنظیم هیجان همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که افراد دارای دلبستگی ایمن، معمولاً از راهبردهای تنظیم هیجان مانند ارزیابی مجدد، بازسازی شناختی و پذیرش استفاده می‌کنند که به آن‌ها کمک می‌کند اضطراب و استرس را به‌طور مؤثرتری مدیریت کنند و در برقراری ارتباط مؤثر با دیگران و دریافت حمایت اجتماعی نیز بهتر عمل کنند؛ زیرا براساس نظر بالبی (۱۴) تجارب دلبستگی در اوایل کودکی بر رشد هیجانی و مهارت‌های شناختی مؤثر در تنظیم هیجان اثر می‌گذارند و مهارت‌های مؤثر تنظیم هیجان در چارچوب روابط دلبستگی ایمن پدیدار می‌شوند. از سویی دیگر، طبق نظر کسیدی و برلین (۲۵) افراد دارای سبک دلبستگی دوسوگرا به سرکوب هیجانات دست می‌زنند و افراد با دلبستگی اجتنابی به استفاده از راهبردهای نادرست مانند اجتناب از مواجهه با هیجانات و سرکوب آن‌ها می‌پردازند. این رفتار می‌تواند به حل نشدن مشکلات بین فردی آن‌ها حتی در روابط نزدیک نظیر رابطه زناشویی کمک کند؛ به گونه‌ای که منجر به مشکلات در روابط بین فردی و تقویت رفتارهای اجتنابی شود. همچنین، دلبستگی دوسوگرا می‌تواند باعث تشدید نوسانات هیجانی شود، زیرا این افراد به حمایت دیگران نیاز دارند، اما از ترس طرد شدن، دچار استرس و اضطراب می‌شوند، در نتیجه نمی‌توانند مسائل خود را حل نمایند (۲۴) و این زنان برای برطرف کردن نیاز به دیده شدن خود راه سومی را بر می‌گزینند که به روابط زناشویی‌شان آسیب جدی وارد می‌کند.

به علاوه این پژوهش نشان داد که اثرمستقیم تنظیم هیجانی و نگرش به خیانت معنادار است. به عبارت دیگر، بین راهبرد ارزیابی مجدد با نگرش به خیانت رابطه منفی و بین راهبرد سرکوبی با نگرش به خیانت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش شالچیان پورخلجان (۱۶) مبنی بر وجود رابطه مثبت میان راهبردهای سازگارانه تنظیم هیجانی و نگرش به خیانت و وجود رابطه منفی میان راهبردهای سازگارانه تنظیم هیجانی و نگرش به خیانت همسو است. همچنین، این یافته با نتایج پژوهش کشاورز افشار و همکاران (۱۷) مبنی بر پیش‌بینی گرایش به روابط فرازناشویی براساس خودتنظیمی هیجانی، همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که تنظیم هیجانی و استفاده از راهبردهای سازگارانه آن نظیر ارزیابی مجدد به افراد این امکان را می‌دهد تا بتوانند هیجانات ناآرامی نظیر خشم و اضطراب را تجربه می‌نمایند، تصمیمات آنی و رفتارهای تکانشی انجام ندهند و در موقعیت‌های متعارض، واکنش مطلوبی از خود نشان دهند (۲۰). در صورتی که بکارگیری راهبردهای سازگارانه تنظیم هیجانی نظیر فرونشانی و سرکوب موجب می‌شود که فرد هیجانات زیادی که آن‌ها را تجربه می‌نماید در نظر نگیرد و با اجتناب از تجارب سخت هیجانی راه حل‌های کوتاه‌مدتی را برگزیند که صدمات فراوانی به رابطه زناشویی و خانواده وارد می‌کند. براین اساس، همانگونه که گفته شد زنان دارای رگه‌های اختلال شخصیت نمایشی بسیار توجه طلبی هستند که در صورت عدم دریافت توجه برای بدست آوردن آن رفتارهای تکانشی و غیرمنطقی انجام می‌دهند. به علاوه، می‌توان گفت که از آنجا که تنظیم هیجانی در بروز و حل تعارض‌ها و ابراز نیازهای عاطفی زوجین به یکدیگر نقش مهمی دارد، می‌تواند در صورت بکارگیری راهبردهای ناسازگارانه بر گرایش به خیانت اثرگذار باشد (۱۶).

در نهایت، این پژوهش نشان داد که اثر غیرمستقیم تنظیم هیجانی در رابطه میان سبک‌های دلبستگی و نگرش به خیانت در زنان دارای رگه‌های شخصیت نمایشی، معنادار است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت در زنان دارای رگه‌های اختلال شخصیت نمایشی دو

راهبرد تنظیم هیجان رابطه بین دو سبک دلبستگی ایمن و دوسوگرا با نگرش به خیانت را میانجیگری می کند. پژوهشی که به صورت مستقیم با این یافته همسو باشد، یافت نشد. اما این یافته با نتایج پژوهش شالچیان پورخلجان و همکاران (۱۸) مبنی بر معناداری نقش میانجی تنظیم هیجانی در رابطه بین سبک های دلبستگی و سواد عاطفی با گرایش به روابط فرازناسویی در زنان خیانت دیده، همسو است. در تبیین این یافته می توان گفت که افراد دارای دارای دلبستگی ایمن نگاه مثبت و خوش بینانه ای نسبت به زندگی دارند و هنگام برخورد با چالش های زندگی در عوض جلب توجه با تصمیماتی که منجر به آسیب زدن به رابطه زنانشویی می شود (که نتیجه بکارگیری راهبردهای ناسازگارانه تنظیم هیجانی و گرفتن تصمیمات تکانشی است)، دست به انتخاب راهبردهایی می زنند که موجب ارزیابی واقع بینانه از مشکلات در فضای امن رابطه و انتخاب راه حل هایی می شود که میل فرد را برای جست و جوی راه های آبی نظیر خیانت زنانشویی کم می نماید (۱۶). همچنین، همانگونه که گفته شد تجارب دلبستگی اولیه که فرد در ارتباط با مراقبان اصلی خود شکل داده منجر به ایجاد طرحواره های هیجانی می شود که ایجاد و بکارگیری مهارت های تنظیم هیجانی سازگارانه را در وی تسهیل می نماید (۲۳ و ۲۴). در نتیجه، بکارگیری راهبردهای سازگارانه فرد تمایل کمتری به رفتارهای افراطی برای توجه طلبی و جلب حمایت و تایید دیگران انجام خواهد داد. از سویی دیگر، زمانی که سبک های دلبستگی افراد به شکلی نالایمن شکل بگیرند و فرد در رابطه کنونی خود فضای امنی جهت حل مشکلات خود نیابد و در مواقع نیاز نتواند به همسر خود دسترسی یابد و یا همسر پاسخگوی نیازهای روانی زن نظیر توجه نباشد، استفاده از راهبردهای ناسازگارانه منجر به تصمیمات هیجانی و تکانشی در افراد دارای رگه های شخصیت اختلال نمایشی می گردد که یکی از آن ها نگرش مطلوب به خیانت و در نهایت انجام است (۱۵).

محدودیت ها و پیشنهاد های پژوهش: این پژوهش نیز با محدودیت هایی روبه رو بود که می توان به مکان اجرای پژوهش و روش نمونه گیری اشاره کرد؛ از آنجا که این پژوهش در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز با روش نمونه گیری در دسترس انجام شده است، در تعمیم نتایج آن به دیگر دانشگاه ها و شهرها باید احتیاط کرد. به دلیل محدودیت های زمانی امکان اجرای پژوهش بر روی دانشجویان مرد وجود نداشت، بنابراین نتایج این پژوهش برای این گروه قابل تعمیم نیست. همچنین از آنجا که این پژوهش در کشور ایران انجام شده است، قابل تعمیم به فرهنگ های دیگر نیست. پیشنهاد می شود که در تحقیقات آتی این پژوهش در شهرها و فرهنگ های دیگر، در نمونه مردان و با دیگر روش های نمونه گیری نیز اجرا شود.

کاربرد پژوهش: در نهایت، به دلیل اهمیت صفات شخصیتی و نقش خانواده ها در شکل گیری آن ها، استفاده از نتایج این پژوهش به روانشناسان و مشاوران ازدواج توصیه می گردد تا بتوانند با ایجاد برنامه های آموزشی قبل و بعد از ازدواج از آسیب های ممکن جلوگیری نمایند. همچنین، پیشنهاد می شود برنامه های آموزشی برای والدین و مراقبان جهت شناخت تاثیر روابط اولیه بر هیجانات و اختلالات دوران بزرگسالی تهیه و اجرا گردد.

ملاحظات اخلاقی: در اجرای پژوهش حاضر ملاحظات اخلاقی نظیر توضیح اهداف پژوهش، آزادی ورود و خروج از پژوهش، صداقت، حفظ محرمانگی، حذف اطلاعات پس از اتمام پژوهش و اخذ رضایت نامه به صورت الکترونیکی رعایت شد.

سپاسگزاری: از همه شرکت کنندگان در پژوهش حاضر کمال تشکر و قدردانی به عمل می آید.

1. Del Águila E., Martínez J. R., Pablos J. L., Huánuco M., Encina V. M., Rhenals A. L. Personality traits, anxiety, and self-esteem in patients seeking cosmetic surgery in Mexico City. *Plastic and Reconstructive Surgery Global Open*, 2019; 7(10): DOI: 10.1097/GOX.0000000000002381
2. Savci M., Turan M.E., Griffiths M.D., Ercengiz M. Histrionic Personality, Narcissistic Personality, and Problematic Social Media Use: Testing of a New Hypothetical Model. *Int J Ment Health Addiction*, 2021; 19: 986–1004. <https://doi.org/10.1007/s11469-019-00139-5>
3. Köse SS, Erbaş O. Personality disorders diagnosis, causes, and treatments. *Demiroglu Science University Florence Nightingale Journal of Transplantation*. 2020; 5(2): 22-31. <https://doi.org/10.5606/dsufnjt.2020.013>
4. Gross JJ. Emotion regulation: Taking stock and moving forward. *Emotion*. 2013; 13(3):359–365. DOI: 10.1037/a0032135
5. Krystle L, Disney YW, Thomas FO. Personality Disorder Symptoms Are Differentially Related to Divorce Frequency. *Journal of Family Psychol*. 2012; 26(6): 959 -965.
6. Jafari F, Nobaveh Vatan Z. The role of abnormal personality dimensions, body image satisfaction, and symptoms of hyperactive personality disorder in predicting marital dissatisfaction in women seeking divorce. *Journal of Modern Psychological Research*. 2022; 17(67): 53-45. Doi:10.22034/jmpr.2022.15298
7. Yousef Puri M, Bahrami B. Predicting attitudes towards infidelity based on the role of dark personality dimensions, self-differentiation, and sexual attitudes in women seeking divorce. *Applied Family Therapy*. 2023; 4(5): 352- 334. doi: 10.22034/aftj.2023.374118.1840
8. Luo W, Yu J. Sexual infidelity among the married in China. *Chinese Journal of Sociology*. 2022; 8(3) 374-397. <https://doi.org/10.1177/2057150X221108574>
9. Bagheri S, Sedaghatifard M. Predicting the perceived quality of marital relationship based on attitudes towards infidelity and honesty in married women. *Health Promotion Management*. 2025 10;13(5):30-40. <http://jhpm.ir/article-1-1767-fa.html>
10. Pournaghash Tehrani S, Ghasemi Moroudi S, Rezazadeh M. Comparison of emotional personality traits, cognitive functioning, cognitive emotion regulation strategies, and marital adjustment in women with high and low fear of marital infidelity. *Journal of Psychological Sciences*. 2021; 20(104): 1313-1329.
11. Jeratpour M. Comparison between personality traits in women with marital infidelity and women without marital infidelity, *First International Congress of Comprehensive Psychology of Iran*, (2015). <https://civilica.com/doc/475216>
12. Akrami F, Mohsenzadeh F, and Zahra Karkia. Meta-analysis of the tendency towards extramarital relationships based on attachment styles. *Islamic Lifestyle with a Health Focus* 2022; 6(3): 322-329. SID. <https://sid.ir/paper/1115488/fa>
13. Bakhtiari A, Hosseini S, Arefi M, and Afsharinia, K. The mediating role of marital intimacy in the relationship between attachment styles and attitudes towards marital infidelity.

- Counseling Research (Counseling News and Research). 2021: (77): 122-140. SID. <https://sid.ir/paper/409416/fa>
14. Bowlby J. A secure base: Parent-child attachment and healthy human development. Basic Book; 1988. DOI: 10.4236/ojpsych.2024.145028
 15. Rahnema F, Ahmadi S, Zaharakar K. Predicting attitudes towards extramarital relationships based on dark personality dimensions and attachment quality in married women. Quarterly Journal of Women and Society, 1402; 14(54): 34-17. doi: 10.30495/jzv.2023.29719.3760
 16. Shalchian Pourkhaljan N, Asadi J, Hassanzadeh R, Khajovand K. Investigating the mediating role of cognitive emotion regulation in the relationship between attachment styles and emotional literacy with the tendency towards extramarital relationships. Journal of Excellence in Counseling and Psychotherapy, 2022; 11(43): 26-38.
 17. Keshavarz Afshar H, Bahonar F, Jahanbakhshi Z, Abdoli Naser N. Predicting attitudes towards marital infidelity based on interpersonal relationships and emotional self-regulation with the mediating role of self-esteem in Iranian couples. Cultural Psychology, 2021; 5(2): 117-97. doi: 10.30487/jcp.2021.291584.1281
 18. Shalchian Pourkhaljan N, Asadi J., Hassanzadeh R, Khajovand K. The relationship between sexual self-concept and tendency towards extramarital affairs, with the mediating role of emotion regulation. Rooyesh Ravanshenasi Scientific Journal, 2023; 11(11): 155-164.
 19. Binesh M, Akbari H. The effectiveness of mindfulness training on emotional regulation and quality of life of mothers with slow-paced children. Child Emotional Development Psychology, 2024; 1(2): 0-0.
 20. Pourkhoramshahi M, Teymouri S. The effect of painting on emotion regulation, anxiety, and blood cell count (BC C) in children with cancer at Sheikh Mashhad Hospital, Ibn Sina Journal of Nursing and Midwifery Care, 2021; 29(3): 209 - 201. <http://nmj.umsha.ac.ir/article-1-2229-fa.html>
 21. Rafieinia P, Delavarpour M, Ebrahimi M. The Comparison of Cognitive Emotion Regulation Strategies and Mindfulness Skills in Individuals who have or have not committed infidelity. Journal of Family Research, 2021; 17(3): 467-482. 10.52547/JFR.17.3.467
 22. Farahini M, Mansouri A. The Mediating Role of Cognitive Emotion Regulation in the Relationship between Brain Behavioral Systems and Posttraumatic Growth in Betrayed Men. Journal of Research in Behavioural Sciences, 2019; 16(3): 408 -417. 20.1001.1.17352029.1397.16.3.16.6
 23. Klaber J. Roosevelt University ProQuest Dissertations & Theses, 2020. 28151718.
 24. Mikulincer M, Shaver PR. Attachment in adulthood: Structure, dynamics, and change. Guilford Press, 2020. DOI:[10.1097/NMD.0b013e318195fe3f](https://doi.org/10.1097/NMD.0b013e318195fe3f)
 25. Cassidy J, Berlin LJ. The insecure/ambivalent pattern of attachment: Theory and research. Child Development, 2018;15(2): 123-182. <https://doi.org/10.2307/1131298>
 26. Whatley, M A. Attitudes toward infidelity scale. J Soc Psychol, 2018; 133: 547-51.
 27. Savari K, Talaei Zadeh M. Comparison of marital infidelity and emotional intelligence of divorced and married individuals. Journal of Clinical Psychology Achievements, 2013; 1(2): 67-82. <https://doi.org/10.22055/jacp.2015.12004>

28. Shaver PR, Hazan C. Adult romantic attachment: Theory and evidence. In: Perlman D, Jones W, editors. *Advances in personal relationships*. London: England: Kingsley, 1993: 29-70. <https://doi.org/10.1037/11100-004>
29. Pakdaman S. Investigating the relationship between attachment and sociability in adolescence, PhD thesis in psychology, University of Tehran, 2004. <https://www.sid.ir/paper/443598/fa>
30. Garnefski N, Kraaij V. Relationships between cognitive emotion regulation strategies and depressive symptoms: A comparative study of five specific samples. *Personality and Individual differences*, 2006; 40(8): 1659-1669. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2005.12.009>
31. Besharat M, Bezazian S. Investigating the psychometric properties of the Emotion Regulation Questionnaire in a sample of the Iranian population. *Journal of the Faculty of Nursing and Midwifery (Advances in Nursing and Midwifery)*, 2014; 24(84):61-70. SID. <https://sid.ir/paper/496015/fa>
32. Ferguson CJ, Negy C. Development of a brief screening questionnaire for histrionic personality symptoms. *Personality and individual differences*, 2014; 66: 124-127. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2014.02.029>.
33. Pazuki M, Abolmaali Al-Husseini K. Validation and stability of the dramatic personality syndrome questionnaire in students. *Quarterly Journal of Research in Psychological Health*, 2024; 19(1): 61-75. <http://ensani.ir/fa/article/download/564661>
34. Kline RB. *Principles and practice of structural equation modeling*, edition 4, Guilford press, New York & London. 2016. <https://dl.icdst.org/pdfs/files4/befc0f8521c770249dd18726a917cf90.pdf>
35. Meyers LS, Gamst G, Goarin AJ. *Applied multivariate research, design, and interpretation*, Thousand Oaks. London. New Delhi, Sage Publication, 2006. <https://doi.org/10.4135/9781071802687>
36. Mallinckrodt B, Abraham WT, Wei, M, Russell DW. Advances in Testing the Statistical Significance of Mediation Effects, *Journal of Counseling Psychology*, 2006; 53(3): 372-378. DOI: [10.1037/0022-0167.53.3.372](https://doi.org/10.1037/0022-0167.53.3.372)
37. Arab Ali Dosti F, Dehghani M, Roshan M, and Robat Milli S. The relationship between attachment styles and difficulty in emotion regulation: Examining the moderating role of reflective functioning. *Clinical Psychology and Personality*, 2024; 22(2): 157-168. Doi: 10.22070/CPAP.2024.18550.1466